

جایگاه ایالت فارس در پرورش گل‌سرخ و تجارت گلاب از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار

صدیقه پرویزی نیا^۱

چکیده

گل‌سرخ (گل محمدی) از مهم‌ترین گیاهان بومی ایران است که از دیرباز در فرهنگ، اقتصاد، پزشکی و آیین‌های ایرانی جایگاهی ویژه داشته و فرآورده اصلی آن، یعنی گلاب، همواره از شناخته‌شده‌ترین کالاهای صادراتی ایران به شمار آمده است. ایالت فارس به سبب شرایط اقلیمی مناسب، از کهن‌ترین و مهم‌ترین مراکز کشت گل‌سرخ و تولید گلاب بوده و شهرت گلاب این منطقه در منابع تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها به کرات بازتاب یافته است. با وجود این، تاکنون پژوهشی مستقل درباره جایگاه تاریخی فارس در پرورش گل‌سرخ و تجارت گلاب از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر قاجار انجام نشده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی، پزشکی و سفرنامه‌ها و با روش توصیفی - تحلیلی، روند شکل‌گیری، تداوم و گسترش کشت گل‌سرخ، مراکز اصلی گلاب‌گیری و شبکه‌های تجاری گلاب فارس را در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جُور (فیروزآباد)، شیراز، میمند، کوار، داراب و برخی دیگر از نواحی فارس از مهم‌ترین مراکز تولید گل‌سرخ و گلاب بوده‌اند و گلاب این ایالت به سبب کیفیت ممتاز، علاوه بر مصرف داخلی، به مناطق مختلفی همچون حجاز، یمن، شام، مصر، هند، چین، اندلس و در دوره‌های متأخر به عثمانی صادر می‌شده است. همچنین تولید و تجارت گلاب در فارس، افزون بر نقش اقتصادی، در توسعه صنایعی مانند شیشه‌گری، در شکل‌گیری فرهنگ باغ‌سازی و در آیین‌ها و زندگی روزمره ایرانیان تأثیرگذار بوده است. از این‌رو، تاریخ پرورش گل‌سرخ و گلاب‌گیری در فارس را می‌توان بخشی مهم از میراث فرهنگی، اقتصادی و فناورانه ایران دانست.

واژه‌های کلیدی: گل‌سرخ، گل محمدی، گلاب، فارس، جُور، تجارت، میراث فرهنگی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۳۰

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Sedighehparvizinia@gmail.com

گل سرخ یا گل محمدی از کهن‌ترین گیاهان بومی ایران است که حضوری ماندگار در تاریخ، فرهنگ، ادبیات، پزشکی، آیین‌ها و اقتصاد ایرانیان داشته است. پیش از اسلام، واژه «گل» عمدتاً به گل سرخ اطلاق می‌شد و پس از گسترش فرهنگ اسلامی، عنوان «گل محمدی» به تدریج رواج یافت. پیشینه دیرینه این گیاه در ایران را می‌توان در منابع تاریخی، متون ادبی و حتی ریشه‌شناسی واژه‌های مرتبط با آن مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که واژه «ورد» در متون ایرانی باستان و سپس در بسیاری از زبان‌های جهان بازتاب یافته است. گل سرخ نه تنها نمادی از زیبایی، لطافت و طراوت در ادبیات فارسی به شمار می‌آید، بلکه گلاب حاصل از آن نیز در آیین‌های مذهبی، جشن‌ها، خوراک، پزشکی سنتی و مناسبات اجتماعی ایرانیان کاربردی گسترده داشته است.

در میان نواحی مختلف ایران، ایالت فارس به دلیل تنوع اقلیمی، منابع آب، پیشینه باغداری و رونق کشاورزی، از مهم‌ترین مراکز رویش و پرورش گل سرخ و تولید گلاب محسوب می‌شده است. گزارش‌های جغرافی‌دانان مسلمان، مورخان، پزشکان، ادیبان و سفرنامه‌نویسان از سده‌های نخستین اسلامی تا پایان دوره قاجار، تصویری روشن از جایگاه ممتاز فارس در تولید گل سرخ و شهرت جهانی گلاب این منطقه ارائه می‌کنند. این منابع نشان می‌دهند که فرآورده‌های فارس، به ویژه گلاب جُور و سپس گلاب شیراز و دیگر نواحی، علاوه بر تأمین نیاز داخلی، در شمار کالاهای ارزشمند صادراتی ایران قرار داشته و به بازارهای گسترده‌ای در جهان اسلام و فراتر از آن راه یافته است.

با وجود اهمیت تاریخی این موضوع، مطالعات انجام‌شده بیشتر به جنبه‌های مردم‌شناختی، نمادشناختی یا فنون گلاب‌گیری پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی جامع درباره روند تاریخی پرورش گل سرخ، مراکز اصلی تولید، مسیرهای تجارت گلاب و جایگاه اقتصادی و فرهنگی ایالت فارس در این حوزه صورت نگرفته است. میرشکرایی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «گل سرخ و فناوری تولید گلاب»، به طور کلی به مراکز، کاربردها و روش‌های گلاب‌گیری در ایران پرداخته است. مطالب و منابع پژوهش میرشکرایی، بر دوران معاصر متمرکز است. میرشکرایی در این پژوهش به روش گلاب‌گیری در سروستان و میمند فارس بر اساس پژوهش‌های میدانی اشاره کرده، اما به پرورش گل سرخ و تجارت گلاب در دوره‌های تاریخی نپرداخته است. جوادی و سراجی (۱۳۹۹)، در مقاله «نمادشناسی گل

سرخ با تأکید بر فرهنگ و هنر ایران» به‌طور خلاصه به موضوعاتی مثل ریشه‌شناسی واژه گل، آیین‌های مرتبط با گلاب در ایران، گل سرخ در مسیحیت و گل سرخ در باورهای اساطیری پرداخته‌اند. در این پژوهش به مراکز رویش و کشت گل سرخ در ایران از جمله ایالت فارس اشاره نشده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بازخوانی منابع تاریخی و جغرافیایی را با رویکردی تاریخی آشکار می‌سازد.

پژوهش حاضر با تکیه بر منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی، پزشکی و سفرنامه‌ها و با روش توصیفی – تحلیلی، درصدد پاسخ به این پرسش است که ایالت فارس از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر قاجار چه جایگاهی در پرورش گل سرخ، تولید گلاب و تجارت آن داشته است و این جایگاه چگونه در دوره‌های مختلف تاریخی تداوم یافته یا دگرگون شده است. همچنین پژوهش می‌کوشد ضمن شناسایی مراکز اصلی کشت گل سرخ و شبکه‌های تجاری گلاب، نقش این فعالیت را در اقتصاد، فرهنگ و میراث تاریخی ایران تبیین کند.

مروری اجمالی بر تاریخ فارس

تسخیر ایالت فارس توسط مسلمانان که از حدود سال ۱۶ق. آغاز شد، به مدت چندین سال به طول انجامید. فارس در قرون نخستین اسلامی جایگاه مهمی داشت و مالیات زیادی را به خلفای اموی و عباسی پرداخت می‌نمود (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۶، ۱۷۰). در سال ۲۵۵ق. یعقوب لیث صفاری فارس را تسخیر کرد. سپس در سال ۳۲۲ق. علی بن بویه (عمادالدوله)، ایالت فارس را با شکست یاقوت فرمانروای آن (والی خلیفه) تصرف نمود و این منطقه تحت حاکمیت سلسله آل بویه قرار گرفت. در سال ۴۴۸ق. فضلویه شبانکاره، ابومنصور فولاد ستون آخرین حاکم آل بویه را دستگیر و زندانی نمود و به حکومت فارس رسید. مدتی بعد سلجوقیان بر فارس سلطه یافتند. سال ۵۴۳ق. سنقر بن مودود در ایالت فارس به قدرت رسید و حکومت اتابکان سلغری (اتابکان فارس) را تأسیس کرد. از وقایع سرنوشت‌ساز این دوره فرستادن نماینده‌ای از سوی اتابک ابوبکر بن سعد به نزد قآن مغول بود. او ضمن اعلام فرمانبرداری، آمادگی اش برای پرداخت خراج را اعلام نمود (خوب‌نظر، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۷، ۱۰۶-۱۰۸، ۱۴۳، ۲۰۷-۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۹). بدین ترتیب در قرن هفتم هجری، قلمرو فارس با تدبیر اتابکان سلغری از ویرانگری‌های مغولان رهایی جست و حافظ دستاوردهای فرهنگ و تمدن ایرانی – اسلامی شد.

همزمان با تأسیس حکومت ایلخانی در سال ۶۵۶ق. ایالت فارس تحت حاکمیت اتابکان سلغری بود تا این که سلجوقشاه سلغری در سال ۶۶۲ق. در نبرد با مغولان جان باخت. بعد آتش‌خاتون، دختر اتابک سعد برای فرمانروایی فارس انتخاب گردید. در سال ۶۶۳ق. هلاکو فرمان داد، آتش‌خاتون با پسرش منگوتیمور ازدواج کند. از آن پس گماشتگان ایلخانان، امور ایالت فارس را اداره کردند (فروزانی، ۱۳۹۳: ۳۱۸).

پس از فوت ابوسعید ایلخانی در سال ۷۳۶ق. حکومت ایلخانان دچار زوال شد و در فارس آل اینجو و آل مظفر به قدرت رسیدند. سپس تیمور گورکانی، ایالت فارس را در سال ۷۹۵ق. تسخیر کرد. حکومت ابراهیم سلطان، اوج حکومت تیموریان در فارس بود. سپس کشمکش‌های میان شاهزادگان تیموری، زمینه را برای سلطه جهانشاه قراقویونلو (۸۴۱-۸۷۲ق.) فراهم آورد. با قدرت‌گیری آق‌قویونلوها، اوزون حسن آق‌قویونلو (۸۵۷-۸۸۲ق.) در سال ۸۷۴ق. شیراز را تصرف نمود. با مرگ سلطان یعقوب آق‌قویونلو در سال ۸۹۶ق. سال‌های آخر قرن نهم هجری توأم با بی‌ثباتی بود (خوب‌نظر: ۱۳۸۰: ۳۴۴-۳۶۰، ۳۸۰-۳۹۱، ۵۲۷-۵۳۷، ۶۲۹-۶۶۲).

شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۷-۹۳۰ق.) در سال ۹۰۹ق. ایالت فارس را تسخیر کرد و حکومت آن را به الیاس بیگ ذوالقدر واگذار نمود. با سقوط اصفهان توسط افغان‌ها، ایالت فارس تحت تسلط آنان درآمد. سپس اشرف افغان جانشین محمود افغان، مغلوب نادر شد. نادر در سال ۱۱۴۸ق. بر تخت سلطنت ایران نشست. او حکمرانی ایالت فارس را به میرزا محمد تقی‌خان شیرازی سپرد. قتل نادر موجب اختلافات سرداران و خاندان سلطنتی و در نتیجه وقوع بحران سیاسی گردید (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۳۷۰/۱، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۸۱، ۵۸۲).

زوال حکومت افشاریه، موجب ظهور مدعیانی شد که یکی از آنها کریم‌خان زند بود. کریم‌خان پس از جنگ‌های متعدد توانست، بر بخش وسیعی از ایران سلطه یابد. او شیراز را به‌عنوان پایتخت خویش انتخاب نمود. پس از فوت کریم‌خان، کشمکش‌های بازماندگان خاندان زند موجب زوال و انقراض سلسله زندیه شد و زمینه را برای قدرت‌نمایی قاجارها فراهم ساخت. ایالت فارس در دوره قاجار از ایالات وسیع ایران بود و به‌ویژه به علت همجواری با خلیج فارس موقعیت سیاسی و اقتصادی مهمی داشت.

اهمیت گل سرخ و گلاب در فرهنگ و تمدن ایرانی

گل سرخ یا گل محمدی از گیاهان بومی ایران است که کشت و گلاب‌گیری آن در ایران قدمتی دیرینه دارد. واژه «ورد» به معنای گل به صورت «ورد» در اوستا چند مرتبه آمده است. این واژه به بسیاری از زبان‌های دنیا راه پیدا کرده و واژه‌های گل و رز از آن مأخوذ است (جوادی و سراجی، ۱۳۹۹: ۳۸، ۳۹). در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، به کار بردن عطریاتی مثل گلاب، به جمشید پادشاه افسانه‌ای ایران نسبت داده شده است (فردوسی، ۱۳۶۶، دفتر یکم: ۴۳) که نشان‌دهنده قدمت استفاده از آن است. پیش از اسلام، هر سال ایرانیان در سیزدهم تیرماه جشنی به نام آبریزگان (آبریزان) برگزار می‌کردند و در آن بر سر و روی یکدیگر آب یا گلاب می‌پاشیدند (هنرفر، ۱۳۸۶: ۱۶۱). ایرانیان باستان در عید مهرگان خوردن انار و بویدن گلاب را سبب دفع بلایا می‌دانستند (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۳۸/۱، ۳۳۹). بنا بر نوشته ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه، در نوزدهم ماه اسفند، جشنی به نام «نوروز انهار» برگزار می‌شد و طی مراسمی در آب‌های روان عطر و گلاب ریخته می‌شد (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۷/۱). ابوالفضل بیهقی در کتاب تاریخ بیهقی به گل‌افشانی در عصر غزنویان اشاره کرده است (بیهقی، بی‌تا: ۴۹۸).

پذیرایی با گلاب در مجالس و مهمانی‌ها در دوره‌های صفویه و زندیه رواج داشت (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۳۳۱؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۴، ۱۶۶). جشنی به نام گل‌سرخ در عصر صفویه برگزار می‌شد (دلاواله، ۱۳۸۴: ۷۱-۷۲). همچنین پذیرایی با گلاب از نوشیدنی‌های معمول ایرانیان در دوره قاجار بود (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷/۱: مقدمه: ۳۹). پولاک پزشک و سیاح دوره قاجار به کاربرد گلاب در شربت‌ها اشاره دارد. همچنین او می‌گوید از گلاب در پخت شیر برنج استفاده می‌شود (پولاک، ۱۳۶۸: ۸۴، ۹۲). فردریک چارلز ریچاردز، سیاح انگلیسی که در اوایل حکومت پهلوی به شیراز آمد، به پخت شیرینی با گلاب شیراز اشاره می‌کند (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۶۲-۶۵). دالمانی جهانگرد فرانسوی دوره قاجار می‌نویسد: «در عید نوروز مردم برای دید و بازدید به خانه‌های همدیگر می‌روند و به صورت خود گلاب می‌پاشند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۱۹). او همچنین می‌نویسد: «ساده‌ترین شربت ایرانی‌ها شربتی است که از قند، آب و گلاب درست می‌کنند و آن را شربت قند می‌گویند.» او همچنین به استفاده از گلاب در پخت شیرینی اشاره می‌کند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۹، ۱۰۲۸)؛ بنابراین یکی از کاربردهای مهم گلاب مصارف خوراکی بود.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای گل سرخ و گلاب در پزشکی بوده است. پزشکان و داروشناسان ایرانی به مصارف پزشکی و درمانی گل سرخ و گلاب اشاره داشته‌اند. به‌عنوان مثال حاج زین‌العطار شیرازی، پزشک و داروشناس برجسته قرن هشتم هجری در کتاب اختیارات بدیعی خواص گل سرخ و گلاب را بیان کرده است (انصاری شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۳، ۴۰۷). فیگوئروا سفرنامه‌نویسان عصر صفویه نیز مطالبی در مورد کاربردهای دارویی گل سرخ و گلاب بیان کرده است (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۰).

گلاب همواره برای ایرانیان یک هدیه ارزشمند بود. از جمله هدایای خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر حکومت ایلخانی برای شیخ صفی‌الدین اردبیلی سی شیشه گلاب بود (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۲۴۳-۲۴۷). یکی از کاربردهای مهم گلاب خاصیت خوشبوکنندگی بود. در دوره زندیه کسانی که به آرامگاه سعدی می‌آمدند، روی قبر آن گل و گلاب می‌پاشیدند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۳۲). در مراسم عزاداری اموات از گلاب استفاده می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۷۴). در دوره قاجار، ایرانیان قبل از اینکه از کوزه نو استفاده کنند، برای خوشبو شدن مقدری گلاب در آن می‌ریختند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۸). همچنین در مهمانی‌های اشراف و مقامات، مهمانان بعد از صرف غذا دست‌های خود را می‌شستند و برای خوشبو گردیدن روی آن گلاب می‌ریختند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۶۵).

در کتاب ارشاد الزّراعه ابونصری هروی که در مورد کشاورزی است، طریق پرورش و محافظت گل سرخ و شیوه‌های گلاب‌گیری بیان شده است (ابونصری هروی، ۱۳۹۰: ۲۴۹-۲۵۲) که نشانگر توجه و مهارت ایرانیان در کشت این گل و روش‌های گلاب‌گیری است. دالمانی در سفرنامه‌اش به ساخت گلابدان و گلابپاش سفالی و شیشه‌ای در دوره قاجار اشاره کرده است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۴۶، ۴۲۸) که نشان می‌دهد کاربردهای گلاب و نیاز به ظروف مناسب برای حفاظت از آن، موجب رونق ساخت گلابدان و گلابپاش در ایران شده است.

پرورش گل سرخ و تجارت گلاب در فارس از آغاز دوره اسلامی تا تأسیس حکومت ایلخانی

ایالت فارس هر سال مقداری گلاب به‌عنوان خراج به خلفای عباسی می‌پرداخت. این ایالت مطابق با یک فهرست مالیاتی که مربوط به سال‌های ۱۵۸-۱۷۰ ق. است، سی هزار «قاروره گلاب» به رسم خراج به خزانه خلیفه عباسی ارسال کرده است (پطروشفسکی،

۱۳۴۴: ۳۹۵/۱، ۳۹۶). همچنین ایالت فارس در زمان هارون الرشید عباسی (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق.) نیز سی هزار شیشه گلاب به عنوان خراج به خلفا تقدیم می داشت (جهشیاری، ۱۴۰۸: ۱۸۲، ۱۸۳) که نشان دهنده مرغوبیت و شهرت گلاب این منطقه است، چرا که دربار خلفا کالاهای خود را از سرزمین هایی که بهترین و مرغوب ترین نوع محصولات و کالاهای مورد نیاز در آن تولید و تهیه می شد، تأمین می کرد. در کتاب «التبصر بالتجاره» جاحظ که در توصیف کالاهای تجاری مناطق گوناگون جهان در حدود اواسط قرن سوم هجری نگاشته شده، گلاب از کالاهای تجاری فارس برشمرده است (جاحظ البصری، ۱۴۱۴: ۳۲) که بیانگر صدور این محصول به سایر نقاط جهان در آن زمان است.

مرکز اصلی پرورش گل و گلاب گیری در ایالت فارس، جُور (گور، فیروزآباد کنونی) بود. طبری (م ۳۱۰ق.) در توصیف شهر جور می گوید، این همان شهری است که «گلاب پارسی جوری» از آنجا آورند (طبری، ۱۳۷۳: ۵۴۳/۱). بنابر نوشته ابوزید بلخی (م ۳۲۲ق.) جغرافیدان و اندیشمند قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، گلاب جور فارس به مناطق مختلف جهان مثل حجاز، یمن، شام، مصر، مغرب و سایر مناطق ایران صادر می شد (ابوزید بلخی، ۱۳۹۶: ۲۰۷، ۲۰۸). اصطخری (م ۳۴۶ق.) که کتاب خویش یعنی مسالک الممک را با تکیه بر کتاب ابوزید بلخی تألیف نموده، همین مطلب را بازگو می کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۳). ابن عبد ربه اندلسی (م ۳۲۸ق.) نیز می نویسد «گلاب جوری منسوب به شهر جور در منطقه فارس است» (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۰/۷). ابن فقیه همدانی جغرافیدان قرن سوم و چهارم هجری بیان می کند، گلابی که در شهر گور (جور) گرفته می شود به همه شهرها ارسال می شود (ابن فقیه همدانی، ۱۳۷۹: ۱۸). مؤلف ناشناس کتاب حدود العالم (تألیف ۳۷۲ق.)، می گوید در فارس «آب گل» به عمل می آید و گلابی را که در جور تهیه می شود، به همه جهان می برند و در سایر مناطق مثل آن وجود ندارد (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۳۰-۱۳۲).

مقدسی جغرافیدان قرن چهارم هجری در کتاب احسن التقاسیم از جور فارس به عنوان مرکز گل نام می برد و گلاب این شهر را برتر از محصول سایر مناطق بیان می کند. او همچنین به تهیه گلاب نیکو در «کول» در فارس اشاره می کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰/۲، ۶۴۴). ابن حوقل دیگر جغرافیدان قرن چهارم، از گلاب ناحیه جور و کوار به عنوان کالاهای تجاری ایالت فارس نام می برد. او می نویسد، گلاب فارس را به سرزمین های مغرب، بلاد روم، اندلس، رومیه، فرهنگ، مصر، یمن، هند و چین می فرستند و آن را به گلاب سایر

مناطق جهان برتری می‌دهند. ابن حوقل می‌گوید «اگرچه مقدار بسیاری گلاب در سایر نواحی ایالت فارس به عمل می‌آید، محصول منطقه جور بیشتر و گل خوشبو به این ناحیه منسوب است». او همچنین در ادامه متذکر می‌شود، «أجرت خانه‌هایی که در آن گلاب تهیه می‌کنند به سلطان متعلق است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۶۵، ۷۰).

ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق.) در کتاب الصیدنه، به نقل از یکی از منابع خود به نام «حمزه»^۱ می‌نویسد در فارس وردی (به طور کلی گل و به طور خاص گل سرخ) را که از آن گلاب می‌گیرند، «آزاد گل» می‌نامند. گونه‌ای گل با نام «گنبد گل» در کوره سابور فارس وجود دارد. این نوع گل به رنگ سرخ تیره است و اصلاً نمی‌شکند و بسیار تیز بو است. از این نوع روغن ورد استخراج می‌کنند که به خزانه شاهان تقدیم می‌شود (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۳: ۹۸۲-۹۸۴).

ثعالبی نیشابوری در کتاب ثمارالقلوب که تألیف نیمه اول قرن پنجم هجری است، در مورد گل جور می‌نویسد «به سبب شهرت به گل سرخ جور مثل می‌زنند و در هیچ منطقه‌ای به خوشبویی آن یافت نمی‌شود». او بیان می‌کند «گلاب جور بسیار خوب و خوشبو است و آن را به دورترین شهرهای شرق و غرب جهان صادر می‌کنند و در همه جا در مورد آن صحبت می‌کنند». ثعالبی اضافه می‌کند، هر سال به عنوان خراج ایالت فارس «بیست و هفت هزار هزار شیشه» گلاب به همراه کالاهای مرغوب فارس به دربار خلفا فرستاده می‌شود (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۷۶: ۵۴۸).

در کتاب عجایب المخلوقات طوسی که در نیمه دوم قرن ششم هجری نگاشته شده، گلاب را از جمله کالاهای تجاری فارس برشمرده است (طوسی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). ابن بلخی که اثر مشهور خود به نام فارسنامه را در حدود اوایل قرن ششم هجری نگاشته، در مورد شهر فیروزآباد می‌گوید «فیروزآباد را در قدیم جور می‌گفتند و گل جوری به این شهر منسوب است» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

بنابراین در قرون نخستین اسلامی، گل سرخ فارس به خصوص گل جور (فیروزآباد) شهرت جهانی داشت و گلاب حاصل از آن به سبب مرغوبیت به بسیاری از نقاط ایران و جهان صادر می‌شد.

۱. احتمالاً این فرد حمزه اصبهانی مورخ و زبان‌شناس اواخر قرن سوم و قرن چهارم هجری باشد (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۳: مقدمه مترجم، ۱۱۶).

دوره ایلخانی تا تأسیس سلسله صفویه

در دوره ایلخانی (۶۵۶-۷۳۶ق.) انواع گل‌های خوشبو و مرغوب در ایالت فارس می‌روید و در شهر جور همچنان گل‌های سرخ بسیار خوشبویی وجود داشت. همچنین در شیراز عطر گل تهیه می‌شد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۳۶، ۲۶۷). در این دوره نیز گلاب فیروزآباد خوشبوتر و مرغوب‌تر از سایر مناطق بود (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۸). در این عصر گلاب از کالاهای تجاری ایالت فارس بود که به سبب کیفیت کم‌نظیر به همه مناطق جهان از جمله به مصر و شام صادر می‌شد (همدانی، ۱۳۶۸: ۶۳). در مکاتبات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر و پزشک مشهور دوره ایلخانی، نامه‌ای وجود دارد که مطابق آن برای تأمین روغن‌های دارویی بیمارستان ربع رشیدی تبریز، درخواست ارسال روغن‌های دارویی از نواحی مختلف شده است. بر طبق این نامه، می‌بایست سیصد من «روغن گلاب ایچی» از شیراز فرستاده می‌شد (همدانی، ۱۳۵۸: ۶۵، ۶۶). ایچ که روغن گلاب درخواستی به آن منسوب است، مرکز ناحیه شبانکاره در فارس بود که امروزه در داراب فارس قرار دارد و اکنون از مراکز کشت گل‌سرخ در فارس است.

در دوره حکومت آل مظفر در فارس (۷۵۴-۷۹۵ق.) نیز صادرات گلاب انجام می‌شد. در زمان سلطان مبارزالدین محمد مظفری، تاجران، شراب را در شیشه‌های گلاب به‌طور قاچاقی از شیراز به هرموز حمل می‌کردند و سپس از آنجا به نقاط دیگر صادر می‌کردند (Teixeira, 1902: 217, 241؛ بحرانی پور، ۱۳۸۸: ۲۰، ۲۱). این مطلب بیانگر رواج صادرات گلاب فارس است که در برخی مواقع از آن به‌عنوان پوششی برای صدور شراب فارس هم استفاده می‌کردند.

نظام قاری، شاعر طنزپرداز شیرازی در قرن نهم هجری از گل‌چیدن و فروش گل (محمدی، سرخ) در بازار یاد می‌کند (نظام قاری، ۱۳۹۱: ۲۷۵، ۳۲۷) و این مطلب تأییدی بر پرورش گل محمدی در شیراز به مانند بسیاری از ادوار تاریخی می‌باشد. همچنین بنا بر نوشته کتاب شروط فارسی تألیف محمد دریستی کازرونی، در باغ‌های کازرون درخت گل وجود داشت (دریستی کازرونی، نسخه خطی شماره ۷۶۱۲ کتابخانه مجلس: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۶) که احتمالاً بیشتر همان درخت گل‌سرخ بوده است.

دوره ایلخانی تا آغاز حکومت صفوی، اوج شکوفایی شعر و ادب در شیراز و همزمان با ظهور شاعران پرآوازه ایرانی بود. گل و گلاب به کرات در اشعار بسیاری از شاعران پرآوازه

شیرازی این دوره مثل شیخ اجل سعدی، خواجه حافظ شیرازی، جهان ملک خاتون، کمال غیاث شیرازی و بسحق اطعمه شیرازی بازتاب یافته است. در اینجا نمونه‌ای از این بازتاب ذکر می‌شود.

تو اگر چین لطیف از در بوستان درآیی گل سرخ شرم دارد که چرا همی شکفتم

(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۶۰)

شفا ز گفته شگرفشان حافظ جوی که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۵۶)

خون می‌چکد ز عارض چون یاسمن تو را گل چون عرق کند بچکد زو به دم گلاب

(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۳۰)

گرچه گلاب از سبب گل شود پدید گل را نمی‌رسد که کند با گلاب بحث

(کمال غیاث شیرازی، ۱۳۹۰: ۹۷)

زهرة زعفران، زترس شد آب بر مشامش، بداشتند گلاب

(بسحق اطعمه شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۵۳)

دوره صفویه تا پایان حکومت زندیه

ایالت فارس محل رویش گل‌ها و گیاهان خوشبو در دوره صفویه بود. بنا بر نوشته توماس هربرت جهانگرد انگلیسی دوره صفوی، در شیراز گل‌های کمیاب و خوشبو وجود داشت که برای مصارف پزشکی سودمند بود (Herbert, 1928: 73). تنررو سفرنامه‌نویس پرتغالی در اوایل دوره صفویه به شیراز سفر کرد. او می‌نویسد در شیراز گل‌های سرخ صد برگ وجود دارد که از آن مقدار زیادی گلاب می‌گیرند. تنررو در ادامه به توصیف باغی وسیع در شیراز می‌پردازد که در فصل شکوفه مقدار فراوانی گل سرخ از آن می‌چیدند (تطیلی، تنررو و ممبره، ۱۳۹۳: ۳۵۶).

حکام و کارگزاران شیراز در دوره صفویه موظف بودند علاوه بر پول نقد، مقداری از کالاهای و محصولات مرغوب و شاخص ایالت فارس را به عنوان پیشکش به دربار شاه صفوی در اصفهان بفرستند. در این دوره مسئولان ایالتی فارس گلاب، عطریات و روغن گل سرخ به اصفهان ارسال می کردند. روغن گل سرخی که از شیراز ارسال می شد، بسیار مرغوب بود و قیمت زیادی داشت. گلاب و عطریات فارس در شیشه های مخصوصی ریخته و مهر می شد و سپس در صندوق های ویژه ای قرار داده می شد و به دربار شاهان صفوی ارسال می گردید (تاورنیه، بی تا: ۵۲۱).

گلاب از کالاهای صادراتی شیراز بود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۷۹). تونو سیاح فرانسوی، هند را مقصد تجاری گلاب حاصل از گل سرخ فارس در دوره صفویه بیان می کند (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۹۳۰). بنابر گفته فیگوئروا سفرنامه نویس اسپانیایی، در حاشیه تمامی خیابان های شیراز، پرچین هایی از درختان گل سرخ کشیده بودند. از این گل های سرخ، گلاب مرغوب استخراج و به سرزمین هند صادر می شد. گلاب فارس با قیمت خوب در هند معامله می گردید (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۰). گل سرخ یکی از عناصر اصلی باغ های شیراز در دوره صفویه بود. سیاحان اروپایی نیز بدان اشاره کرده اند (تاورنیه، بی تا: ۶۶۶-۶۶۷؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۸۰). علاوه بر شیراز، کازرون از جمله مناطقی است که به رویش گل سرخ در آن اشاره شده است. به ویژه در فصل بهار شکوفه های گل سرخ در کازرون برای گردشگران چشم نواز بود (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۴). همچنین توماس هربرت از رویش گل ها و گیاهان خوشبو مثل گل سرخ، لاله و یاسمن در لار سخن می گوید (Herbert, 1928: 59). بنا بر گفته کارری جهانگرد ایتالیایی، شیشه سازی از مشاغل متداول شیراز بود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۷۹). در دوره صفویه در شیراز سه چهار دستگاه شیشه گری وجود داشت که بطری های بزرگ و کوچک را برای گلاب و عطریاتی که در شیراز تهیه و به همه جا صادر می شد، فراهم می ساخت (تاورنیه، بی تا: ۶۵۷). شیشه های ساخت کارخانه شیشه سازی شیراز از مصنوعات شیشه سازی های سایر مناطق ایران به ویژه اصفهان پایتخت حکومت صفوی مرغوبتر بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۹۲/۲)؛ بنابراین تهیه و صادرات گلاب و سایر عرقیات و عطریات در شیراز سبب رونق شیشه سازی در این شهر شد.

در دوره زندیه بنا بر نوشته فرانکلین انگلیسی، منظره و طبیعت شیراز در فصل بهار فوق العاده بود. در این هنگام گل ها و گیاهان خوشبو از جمله گل سرخ، فضای عطرانگیزی

را به وجود می‌آورد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۶). او می‌گوید در فصل بهار حمام‌های ایران را به گونه زیبایی می‌آریند و مراسمی به نام «گل‌ریزی» بر پا می‌شود که در آن مقدار زیادی گل به داخل حمام‌ها می‌ریزند. این مراسم یک هفته تا ده روز ادامه می‌یابد و طی آن مشتریان با موسیقی، رقص، شربت و غیره پذیرایی می‌شوند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۲۴). در دوره زندیه از شیراز مقدار زیادی گلاب به بندر بوشهر حمل و از آنجا صادر می‌شد (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹، ۱۵۶).

در دوره زندیه کارخانه‌های شیشه‌گری در شیراز فعال بود. بنا بر نوشته نیبور جهانگرد آلمانی دوره زندیه، شیشه‌های که در شیراز ساخته می‌شد، نسبتاً سفید و خوب بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۷۰). فرانکلین نیز می‌گوید در شیراز کارخانه شیشه‌سازی‌ای وجود دارد که شیشه‌های بسیار خوبی تولید می‌کند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۵). نمونه‌ای از گلاب‌پاش‌های ساخت شیراز در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم هجری در مجموعه‌ای در توکیو وجود دارد (فوکائی، ۱۳۷۱: ۲۲۰). (تصویر ۱).



تصویر ۱ (فوکائی، ۱۳۷۱: ۲۲۱)

دوره قاجار

گلاب از محصولات صادراتی مهم ایران در دوره قاجار محسوب می‌شد (وارینگ، ۱۳۶۹: ۱۹۹). اولیویه سفرنامه‌نویس فرانسوی که در اوایل دوره قاجار به ایران سفر کرد، می‌نویسد «هیچ عطر و بوی خوشی با گلاب ایران برابری ندارد و هر سال مقدار فراوانی گلاب در ایران مصرف می‌شود و گلاب بسیاری هم به ممالک هند و عثمانی ارسال می‌شود» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۸). بنا بر گفته پولاک «در این عصر برای تهیه و تقطیر گلاب که از طریق بوشهر به هندوستان صادر می‌شد، باغ‌های گل‌سرخ وسیع در شهرهای شیراز، قم و قمصر وجود داشته است» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۰). البته بایست یادآوری نمود، اگرچه گلاب فارس معمولاً به نام گلاب شیراز معروف بوده است، باغ‌های گل‌سرخ در شهرهای حوالی شیراز قرار داشته است و گلاب شهرهای مختلف فارس معمولاً با نام گلاب شیراز شهرت یافته است.

دالمانی در توصیف مهارت زرتشتیان در پرورش گل‌سرخ می‌گوید «بعضی از آنها به تجارت اشتغال دارند، ولی اکثر آنها به زراعت زمین می‌پردازند. در تهران شغل باغبانی را به خود انحصار داده‌اند. هیچ‌کس مثل آنها نمی‌تواند گیاه‌های لطیف، ظریف و گل‌های لطیف سرخ قشنگ شیرازی و اصفهانی را بپروراند و در باغ‌ها به پرستاری و تربیت آنها بپردازد» (دالمانی، ۱۳۳۵، ۸۰۴). بدین ترتیب پرورش گل‌سرخ، نیازمند مهارت خاصی بود. مادام دیولافوا فرانسوی، شرحی شاعرانه و زیبا از زمین‌خوردن کاروان‌های حامل گلاب در مسیر فیروزآباد نگاشته است. او می‌نویسد «کاروانی با الاغ‌های کوچک از سمت شیراز می‌آمد که متعلق به یک زن تاجر گلابفروش بود. هر الاغی دو قرابه بزرگ حصیردار پُر از گلاب در پشت داشت. قبل از این‌که به کاروان برسیم، به سبب زمین‌خوردن الاغ‌ها در سنگلاخ، شیشه‌های بزرگ گلاب شکسته بود و محتوی آنها بر زمین ریخته شده بود. بدین سبب فضا بسیار معطر شده بود و مثل این بود که ما از بازار عطر فروشان شهرهای ممالک شرقی عبور می‌کنیم» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۴۹۶-۴۹۸).

اورسل در مورد بازارچه عطر فروشان در بازار تهران می‌گوید «... در همین بازارچه است که آب‌نارنج کازرون ... گلاب شیراز و فیروزآباد که بعضی از آنها را به قیمتی سنگین‌تر از وزنشان به طلا می‌فروشند» (اورسل، ۱۳۸۳: ۲۴۱). در بازار شیراز در دوره قاجار در هر طرف دسته‌های گل‌سرخ بسیار معطر و شاخه‌های درخت نارنج را می‌فروختند (لوتی، بی‌تا: ۹۱).

اولیویه از گلاب شیراز به عنوان کالای خاصی نام می برد که به مملکت هند صادر می شود (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱). کرزن از گلاب به عنوان یکی از محصولات طبیعی شیراز نام می برد (کرزن، ۱۳۷۳/۲: ۱۲۴). بدین ترتیب بخشی از گل سرخ و گلاب فارس در بازارهای داخلی مصرف می شد و بخشی به خارج از ایران صادر می شد.

میمند یکی از مراکز مهم پرورش گل سرخ و گلاب گیری در فارس بود. در دوره قاجار گل سرخ و گلاب میمند در سراسر جهان شهرت داشت (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۷۸). در این دوره در ناحیه میمند بیشتر منفعت و درآمد از باغ های پر از گل سرخ بود. در فصل بهار چندین کارخانه گلاب گیری در این بلوک برپا می شد و خروارها گل هم به هندوستان و شیراز ارسال می شد (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۲/ ۱۵۶۵). در فیروزآباد مثل میمند گلاب می گرفتند و به بوشهر حمل می کردند (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۱۸۴). مؤلف فارسنامه ناصری می گوید «گل های بهاری بلوک فیروزآباد ضرب المثل است و گل سرخ این بلوک را در رنگ و بو، ستایش کرده اند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۲/ ۱۴۱۶، ۱۴۱۸). بدین ترتیب کشت گل سرخ و گلاب گیری در شهر فیروزآباد یا همان جور قدیم از دیرباز تا دوره قاجار به طور مستمر علی رغم تحولات سیاسی و اجتماعی متعدد، تداوم داشته است.

کوار از نواحی دیگر پرورش گل سرخ در ایالت فارس در این دوره بود. بیشتر درختان قریه موک در حوالی کوار شیراز، درخت گل سرخ بود که گلاب آن را می گرفتند و به شهر شیراز می فرستادند (حاجی پیرزاده، ۱۳۶۰: ۱/ ۹۴). کالای تجاری قریه جوکان که چهار فرسنگ و سه ربع از کوار فاصله داشت، گلاب بسیار اعلی بود (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۲۴۹). در باغ های بلوک نیریز گل سرخ فراوان بود که غنچه آن را به اطراف ارسال می کردند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۲/ ۱۵۶۶). در حوالی شهر قدیم شاپور، کنار رودخانه ای که از پهلوی قلعه دختر و از میانه شهر می گذشت، پُر از بوتۀ گل های سرخ بود (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۴۸). گل سرخ لارنجان فارس بسیار معطر بود و گلایی که از آن استخراج می گردید، بسیار خوشبو بود (حاجی پیرزاده، ۱۳۶۰: ۱/ ۵۸).

گل سرخ یکی از اجزای اصلی باغ های فارس در دوره قاجار بود. حاجی پیرزاده سیاح ایرانی این عصر در توصیف باغی در فیروزآباد می گوید در یک سمت چمن، باغ نرگس بسیار خوبی ترتیب داده اند که اطراف آن را از درخت گل سرخ مثل دیوار ترتیب داده اند که به جز یک راه دیگر وارد چمن نمی توان شد (حاجی پیرزاده، ۱۳۶۰: ۹۷).

همچنین در دوره قاجار همچنان لوازم شیشه‌ای ساخت شیراز از مصنوعات سایر مناطق ایران بهتر بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۸). بنا بر نوشته ادوارد اسکات وارینگ دو کارخانه شیشه‌سازی و ریخته‌گری در شیراز وجود داشت که هر دو قابل توجه بودند (وارینگ، ۱۳۶۹: ۱۸۸).

نتیجه‌گیری

بررسی منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی، پزشکی و سفرنامه‌ها نشان می‌دهد که ایالت فارس از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر قاجار مهم‌ترین کانون پرورش گل‌سرخ، تولید گلاب و تجارت آن در ایران بوده است. استمرار گزارش‌های تاریخی در دوره‌های مختلف بیانگر آن است که این فعالیت، برخلاف بسیاری از عرصه‌های اقتصادی که تحت تأثیر تحولات سیاسی دچار رکود یا جابه‌جایی شدند، در فارس تداومی کم‌نظیر داشته و از قرون نخستین اسلامی تا پایان دوره قاجار جایگاه خود را حفظ کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جُور (فیروزآباد) از نخستین و مهم‌ترین مراکز تولید گل‌سرخ و گلاب در ایران بوده و شهرت جهانی گلاب جُور در آثار جغرافی‌دانان و مورخان مسلمان به‌خوبی انعکاس یافته است. در دوره‌های بعد نیز شیراز، میمند، کوار، داراب، نیریز، کازرون و برخی دیگر از نواحی فارس به مراکز مهم کشت گل‌سرخ و گلاب‌گیری تبدیل شدند. بسیاری از منابع، گلاب این مناطق را با عنوان «گلاب شیراز» معرفی کرده‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد شهرت تجاری شیراز، نام دیگر مراکز تولید را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

مطالعه شبکه‌های تجاری گلاب فارس نیز بیانگر گستردگی بازارهای صادراتی آن است. در قرون نخستین اسلامی، گلاب فارس به سرزمین‌هایی مانند مصر، شام، حجاز، یمن، هند، چین، اندلس و بخش‌هایی از اروپا صادر می‌شد و در دوره‌های صفویه و قاجار نیز هند و عثمانی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی آن بودند. افزون بر ارزش اقتصادی، گلاب فارس از چنان اعتباری برخوردار بود که در برخی دوره‌ها در شمار خراج‌های ارسالی به خلفای عباسی و نیز پیشکش‌های دربار صفوی قرار گرفت.

نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که رونق تولید گلاب در فارس پیامدهایی فراتر از کشاورزی داشت. توسعه شیشه‌گری برای ساخت بطری‌ها و گلاب‌پاش‌ها، گسترش

باغ‌سازی، حضور پررنگ گل و گلاب در ادبیات فارسی، آیین‌های اجتماعی، طب سنتی و زندگی روزمره ایرانیان، همگی نشان‌دهنده پیوند عمیق این محصول با فرهنگ و تمدن ایران است. از این منظر، گل سرخ و گلاب فارس صرفاً یک محصول کشاورزی یا کالای تجاری نبود، بلکه بخشی از میراث فرهنگی، اقتصادی و فناورانه ایران را شکل داده است. بر این اساس، مطالعه تاریخ پرورش گل سرخ و تجارت گلاب، افزون بر روشن ساختن بخشی از تاریخ کشاورزی و بازرگانی ایران، می‌تواند در شناسایی و حفاظت از میراث فرهنگی مرتبط با گلاب‌گیری، معرفی ظرفیت‌های تاریخی ایالت فارس و تقویت مطالعات تاریخ اقتصادی و زیست‌فرهنگی ایران نیز نقش مؤثری ایفا کند.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۸۵). *فارسانامه*. تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون. تهران: اساطیر.
- ابن حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۴). *العقد الفريد*. تصحیح مفید محمد قمیحه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد (۱۳۷۹). *مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران*. ترجمه محمدرضا حکیمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۸۳). *الصّیْدنَه فی الطّب*. ترجمه باقر مظفرزاده. تهران: فرهنگستان زبان و ادب پارسی، گروه نشر آثار.
- (۱۳۸۶). *آثار الباقیه*. ترجمه اکبر دانا سرشت. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- ابوزید بلخی، احمد بن سهل (۱۳۹۶). *الاشکال (صور الاقالیم)*. به کوشش فرهاد وداد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۹۰). *ارشادُ الزّراعه*. به اهتمام محمد مشیری. تهران: دانشگاه تهران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالك*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.

انصاری شیرازی، علی بن حسین (۱۳۷۱). *اختیارات بدیعی*. تصحیح محمدتقی میر. تهران: رازی.

اورسل، ارنست (۱۳۸۳). *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اولیویه، آنتوان گیوم (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمد طاهر قاجار. تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات.

بحرانی‌پور، علی (۱۳۸۸). «اصناف و صنایع در بازار شیراز در سده‌های هفتم و هشتم قمری». *تاریخ ایران*، ش ۶۲/۵، ۱-۲۵.

بسحق اطعمه شیرازی، مولانا جمال‌الدین (۱۳۹۲). کلیات. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: میراث مکتوب با همکاری بنیاد فارس‌شناسی.

بنجامین (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان «عصر ناصرالدین شاه»*. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: جاویدان.

بی‌هقی، ابوالفضل (بی‌تا). *تاریخ بی‌هقی*. تهران: دنیای کتاب.

پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۴۴). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*. ج ۱. ترجمه کریم کشاورز. تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

تاورنیه، ژان باتیست (بی‌تا). *سفرنامه*. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. تهران: کتابخانه سنایی و اصفهان: کتابفروشی تأیید.

تطیلی، رابی بنیامین، تنررو، آنتونیو و ممبره، میکائیل (۱۳۹۳). *سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تنررو و میکائیل ممبره (از زمان سلطان سنجر و اوایل صفویه)*. ترجمه حسن جوادی و ویلم فلور. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک (۱۳۷۶). *ثمارالقلوب فی المضاف والمنسوب*. ترجمه رضا انزابی‌نژاد. مشهد: دانشگاه فردوسی.

جاحظ البصری، ابی عثمان عمرو (۱۴۱۴). *التبصر بالتجاره*. تصحیح: حسن حسینی عبدالوهاب تونسلی. قاهره: خانجی.

جوادی، شهره و سراجی، نیلوفر (۱۳۹۹). «نماد شناسی گل‌سرخ با تأکید بر فرهنگ و هنر ایران». *هنر و تمدن شرق*، (۲۹)، ۸، ۳۷-۴۶.

جهان ملک خاتون (۱۳۷۴). *دیوان*. به کوشش پور انداخت کاشانی‌راد و کامل احمدی‌نژاد. تهران: زوّار.

- جهشیاری، أبو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۴۰۸). *الوزرا و الکتّاب*. بیروت: دارالفکر الحدیث.
- حاجی پیرزاده (۱۳۶۰). *سفرنامه حاجی پیرزاده*. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. ج ۱. تهران: بابک.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸). *دیوان*. بر اساس نسخه تصحیح شده علامه قزوینی و قاسم غنی. تهران: فرهنگ و قلم.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. تصحیح منصور رستگار فسایی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵). *ریاض‌الفردوس خانی*. به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- خوب نظر، حسن (۱۳۸۰). *تاریخ شیراز از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم‌خان زند*. به کوشش جعفر موید شیرازی. تهران: سخن.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه محمدعلی فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دریستی کازرونی، شمس‌الدین. *شروط فارسی*. نسخه خطی کتابخانه مجلس. شماره ۷۶۱۲.
- دلاواله، پیترو (۱۳۸۴). *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- دو سفرنامه از جنوب ایران (۱۳۶۸). گردآوری و تصحیح سید علی آل‌داود. تهران: امیرکبیر.
- دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۱). *ایران: کلد و شوش*. ترجمه علی‌محمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۸). *سوانح‌الافکار رشیدی*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۶۸). *آثار و اُحیاء*. به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران.
- ریچاردز، فردریک چارلز (۱۳۷۹). *سفرنامه فرد ریچاردز*. ترجمه مهین‌دخت بزرگمهر. تهران: علمی و فرهنگی.
- سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۲. تهران: توس.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۳). *تاریخنامه طبری*. ترجمه محمد بلعمی. تصحیح محمد روشن. ج ۱. تهران: البرز.

طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات*. به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: علمی و فرهنگی.

فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*. ترجمه محسن جاویدان. تهران: دانشگاه تهران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر یکم. نیویورک: کتب پارسی.

فرست شیرازی، محمد نصیر (۱۳۷۷). *آثار عجم*. تصحیح منصور رستگار فسایی. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*. تهران: سمت.

فوکائی، شینجی (۱۳۷۱). *شیشه ایرانی*. ترجمه آرمان شیشه‌گر. تهران: میراث فرهنگی استان تهران.

فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوئروا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.

قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

کارری، جملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. ج ۲. تهران: علمی و فرهنگی.

کمال غیاث شیرازی (۱۳۹۰). *دیوان*. تصحیح محسن کیانی و احمد بهشتی شیرازی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

لوتی، پیر (بی‌تا). *سفرنامه به سوی اصفهان*. ترجمه بدرالدین کتابی. تهران: اقبال.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهت‌القلوب*. تصحیح گای لسترانج. تهران: دنیای کتاب.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ج ۲. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

میرشکرای، محمد (۱۳۸۵). «گل‌سرخ و فناوری تولید گلاب». *علوم اجتماعی*، ش ۳۴، ۳۵، ۱۹۹-۲۲۲.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۷). *ایران در زمان نادرشاه*. ترجمه غلامرضا رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.

ناشناخته (۱۳۶۲). *حدود العالم من المشرق إلى المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.

نظام قاری، محمود بن امیر احمد (۱۳۹۱). کلیات نظام قاری. تصحیح رحیم طاهر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ انتشارات سفیر اردهال.

نیور، کارستن (۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیور. ترجمه پرویز رجبی. تهران: توکا.

وارینگ، ادوارد اسکات (۱۳۶۹). ده سفرنامه. بخش ششم: سفرنامه ادوارد اسکات وارینگ. ترجمه مهراب امیری. تهران: وحید.

هنرفر، لطف‌الله (۱۳۸۶). اصفهان. تهران: علمی و فرهنگی.

Herbert, Thomas (1928). *Travels in Persia 1627-1629*. Abridged and edited by Sir William Foster with an introduction and notes. London: George Routledge & Sons LTD.

Teixeira, pedro (1902). *The travels of pedro Teixeira with his kings of Harmuz and Extracts from his kings of Persia*. trans. and ed. W. f.Sinclair. London: Hakluyt society.